

اهمیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه

بتول حسین‌نیا

مقدمه

در حالی که در اقتصادهای در حال توسعه و پیشرفته نقش بیمه تعیین‌کننده است و بدون به‌کارگیری آن، تحولات شگرف بشری تحقق نمی‌یابد، در کشورمان، بیمه هنوز از جمله انتظارات ملی تحقق نیافته است. صنعت بیمه به سبب توان بالقوه‌ای که در فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد در حفظ حقوق بیمه‌گذاران و در نیل به رشد و توسعه اقتصادی کشور اهمیت فراوان دارد. لذا، وظیفه صنعت بیمه، به منزله مؤسسه مالی، است که توان و قدرت خویش را در ارائه تأمین، تشکیل سرمایه و تقویت بنیه سرمایه‌گذاری اقتصادی جامعه نشان دهد و ثابت کند که بازتاب موفقیت و قدرت ملی‌اش بلکه در نیل به هدف‌های کلان اقتصادی صنعت مؤثر است. دست‌یابی به این هدف‌ها جز با توسل به مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری‌ها ممکن نیست. این امر نه تنها به ارائه خدمات بیمه‌ای با نرخ‌های پایین‌تر منجر می‌شود بلکه موجبات ارتقای سطح کیفی خدمات بیمه‌ای را فراهم می‌آورد و در سطح کلان اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و اثرهای ضد تورمی را در پی خواهد داشت.

اهمیت سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه بازرگانی

امروز بر کسی پوشیده نیست که یکی از عوامل اصلی و مهم رشد و توسعه اقتصادی یک کشور افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد در آن جامعه و رابطه مستقیمی است که بین توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری وجود دارد. این مطلب به ویژه در کشوری چون ایران با مشخصه‌هایی نظیر بازسازی و نوسازی ظرفیت‌های تولیدی، افزایش تولید ناخالص

ملی، فراهم کردن اشتغال‌های مولد و هدایت اقتصاد از فعالیت‌های غیر مولد به مولد، کاهش وابستگی در زمینه فرآورده‌های استراتژیک و دست آخر، اعمال سیاست‌های خصوصی سازی و مهار تورم از طریق افزایش تولید، حایز اهمیت است. در کشور ما غیر از بانک‌ها که به اصطلاح تأمین کننده اعتبارات کوتاه مدت یا میان مدت واحدهای اقتصادی شناخته می‌شوند، بیمه نیز به منزله یک منبع مهم تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. به این ترتیب سرمایه‌گذاری از محل سرمایه و ذخایر فنی یکی از وظایف مهم شرکت‌های بیمه است. شرکت‌های بیمه وجوه بیمه‌گذاران را که به صورت ذخایر فنی در اختیار دارند همچون دارایی سودآور به کار می‌گیرند و در فعالیت‌های مناسب اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابر این صنعت بیمه، گذشته از عملکرد ویژه خود یعنی تأمین و جبران خسارت می‌تواند به صورت یک منبع تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در اقتصاد ایفا کند. در این مؤسسات انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری، اهمیت بسیاری دارد چرا که تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری تابع عوامل پیچیده‌ای است. مدیران سرمایه‌گذاری از یک سو باید همزمان به سه عامل سوددهی، قابلیت تبدیل به پول نقد و اطمینان از اصل سرمایه توجه باشند و از دیگر سو، منابع مالی این شرکت‌ها از نظر قابلیت استفاده در سرمایه‌گذاری دارای خصایص ویژه‌ای است. افزون بر این، سرمایه‌گذاری از محل ذخایر فنی (با توجه به این که ذخایر به بیمه‌گذاران تعلق دارد) و لزوم اعمال نظارت و کنترل بر وضعیت مالی و نقدینگی شرکت‌های بیمه، تابع مقررات و محدودیت‌های خاصی است. بدین لحاظ است که امروزه مدیریت سرمایه‌گذاری نقش مهم و درخور توجهی در شرکت‌های بیمه یافته است و مدیران سرمایه‌گذاری در اتخاذ تصمیمات خود باید سه موضوع مهم را مد نظر داشته باشند:

۱. توجه به هدف‌های حاکم بر سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه

۲. توجه به فشارها و محدودیت‌های حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات بیمه

۳. تدوین خط مشی سرمایه‌گذاری در مؤسسات بیمه

۱. هدف‌های حاکم بر سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه

با توجه به تعهدات آینده مؤسسات بیمه است که ضرورت ایجاد ذخایر اولیه، در نظر گرفتن منابع درآمدی متعدد و استفاده مولد از این ذخایر و سرمایه‌گذاری‌ها در این

شرکت‌ها توجیه می‌شود. مجموع این ذخایر اقلامی را تشکیل می‌دهند که هم به طور مطلق درخور توجه است و هم تناسب آن با مجموع پس‌اندازهای یک کشور اهمیت دارد. آمار و ارقام بیان‌گر آن است که نسبت پس‌انداز حاصل از طرف‌های بیمه به کل پس‌اندازها در بیشتر کشورها شایان توجه است. طرح‌های بیمه در چند کشور صنعتی سهم مهمی در پس‌انداز ملی دارد و باید به خاطر داشت که این طرح‌ها که پوشش و محتوای آن‌ها جامع‌تر است نقش بسیار مهمی در اقتصاد ملی این کشورها ایفا می‌کنند. این پس‌اندازها در کشورهای درحال توسعه نیز نقش مؤثری دارند. در کشورهای کم درآمد در دوره‌های اقتصادی سخت و تورم شدید، پس‌انداز حاصل از بیمه تنها پس‌اندازی است که صورت می‌گیرد: پس‌انداز گروه‌های کم درآمد. لذا نقش این پس‌اندازها به ویژه در کشورهایی که منابع سرمایه محدود و امکان پس‌انداز ناچیز است اهمیت به سزایی دارد. بدیهی است چنانچه مازاد حاصل از سیستم بیمه به صورت پس‌انداز را کد نگه‌داری شود زیرا که ارزش وجوه جمع‌آوری شده تنزل پیدا می‌کند و قدرت خرید خود را از دست می‌دهد. وجود این مسائل ضرورت ایجاد قوانین و مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات بیمه را الزامی می‌سازد. به همین علت است که برای سرمایه‌گذاری‌های صنعت بیمه شرایطی ذکر کرده‌اند که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

الف) ثبات: چون این شرکت‌ها متعهدند مبالغی را معمولاً به طور منظم بپردازند لذا زمینه‌هایی از سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌کنند که یک درآمد با ثبات و طی برنامه زمانی مشخص را ممکن سازد. برای این منظور، شرکت‌ها معمولاً اوراق قرضه دولتی، اوراق قرضه شرکت‌ها و اوراق رهنی را انتخاب می‌کنند که درآمد با ثباتی دارند.

ب) امنیت: یکی از اصول حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات بیمه امنیت رسمی به معنای اطمینان از حفظ سرمایه اصلی و بازده آن است. در شرایط تورمی امنیت واقعی سرمایه‌گذاری‌ها به دلیلی حفظ ارزش آن نیز مطرح است. معمولاً در طرح‌های سرمایه‌گذاری صنعت بیمه رهنمودهایی در جهت این که امنیت رسمی سرمایه‌ها محفوظ باشد صورت می‌گیرد. در این زمینه بهترین تضمین، تضمین مقامات دولتی است. هر قدر بی‌ثباتی پولی در کشور بیشتر باشد باید توجه بیشتری به تمام جنبه‌های امنیت سرمایه‌گذاری مبذول شود. تمایل سرمایه‌گذاری در مستغلات را می‌توان نشانه‌ای

از تمایل به کسب امنیت واقعی تلقی کرد. در صورتی که امنیت کافی و متقاعدکننده برای سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت وجود نداشته باشد بهتر است که سرمایه‌گذاری‌ها را بین فعالیت‌های مختلف و متنوع توزیع کرد.

پ) سودآوری: با سود حاصل از سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه می‌توان زیان ناشی از عملیات فنی را پوشاند به طوری که نتیجه عملیات بیمه‌ای شرکت بیمه مثبت باشد. افزون‌بر این، سود یعنی درآمد تکمیلی درخور توجه در کنار درآمد حق بیمه قرار می‌گیرد و موجب می‌شود که بتوان خدمات بیمه‌ای را با نرخ‌های پایین‌تری به بیمه‌گذاران ارائه نمود. طبیعی است که هرچه شرکت بیمه در به‌کارگیری سرمایه‌های خود کارآزموده‌تر باشد امکان رقابت بیشتری خواهد داشت. لذا هرچند که به ضرورت سودآوری سرمایه‌گذاری‌ها قانوناً تأکید نشده است، مؤسسات بیمه با به‌کارگیری بهینه منابع خود و انتخاب مناسب طرح‌های سرمایه‌گذاری در پی سودآوری بیشتر هستند. به طور کلی حداقل سودآوری یک سرمایه‌گذاری باید برابر نرخ تورم باشد، لذا با در نظر گرفتن دو عامل ارزش پول و نرخ تورم باید دید که آیا بازده سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات بیمه رضایت‌بخش بوده است یا خیر.

ت) نقدینگی (قابلیت تبدیل به پول نقد): در شرکت‌های بیمه نیاز به نقدینگی مسأله مهمی است. منظور از این شرط، سهولت و سرعت قابلیت تبدیل سرمایه‌گذاری به پول نقد است. عموماً مؤسسات بیمه بخشی از سرمایه خود را به نحوی سرمایه‌گذاری می‌کنند که قابلیت تبدیل سریعی داشته باشد. میزان احتیاج یک برنامه‌ریزی مالی به قابلیت تبدیل به نقدینگی سرمایه‌گذاری‌ها، به ماهیت آن وابسته است. بنابر ویژگی‌های هر برنامه می‌توان ذخایر مختلف داشت. به طور کلی انتظار می‌رود که ذخایر تعهدات احتمالی قابلیت تبدیل سریع به نقدینگی داشته باشند در حالی که ذخایر ریاضی معمولاً سرمایه‌گذاری بلند مدت است.

سپرده‌های ثابت، اوراق قرضه کوتاه مدت و مواردی دیگر نظیر این‌ها را، ضمن این که میزان مشخصی سودآوری دارند و امنیت سرمایه‌گذاری و قابلیت تبدیل به نقدینگی آن‌ها محفوظ است در مواردی که زمینه‌های دیگر سرمایه‌گذاری مهیا نیست، می‌توان مورد توجه قرار داد.

ث) دوره زمانی: معمولاً بخشی از نیازهای شرکت‌ها، بر حسب توزیع سنی مشتریان

آنان، عایدات در بلند مدت است. متوسط دوره زمانی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مقایسه با سایر سرمایه‌گذاران، عموماً بالاتر است. لذا قسمتی از وجوه را در اوراق قرضه بلند مدت با سررسیدهای بلند مدت ولی مشخص و قابل برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

ج) ریسک‌پذیری و ریسک‌گریزی: شرکت‌های بیمه با توجه به ماهیت فعالیت خود ملزم به گریز از ریسک‌های بالا هستند. این مورد حتی با وضع قوانین و مقررات دولتی به شرکت‌ها تحمیل می‌شود. با این حال حتی سرمایه‌گذاری در کم‌ریسک‌ترین اوراق نیز ذاتاً دارای نوعی ریسک، از جمله ریسک تورم و تغییرات ارزش پول است. شرکت‌های بیمه برای گریز از ریسک عدم پرداخت بهره و اصل، معمولاً اوراق قرضه مطمئن خریداری می‌کنند و آن‌ها را تا آخرین روز سررسید نگه‌داری می‌نمایند تا بخشی از پرتفوی به صورت ثابت ضامن فعالیت‌های‌شان باشد.

چ) توسعه اقتصادی و اجتماعی: هنگامی که همه ضوابط وجود دارد سرمایه‌گذاری صنعت بیمه باید در جهت هدایت شود که رشد اقتصادی را برانگیزد و تداوم بخشد. این وظیفه صنعت بیمه است که توان و قدرت خود را در تقویت بنیه اقتصادی جامعه نشان دهد. بانک‌ها در این زمینه تا حدودی موفق بوده و توانسته‌اند جایگاه خود را در اقتصاد ملی معرفی کنند، ولی صنعت بیمه هنوز نتوانسته است آن‌طور که باید و شاید در این امر موفق باشد و به تلاش بیشتری نیاز است تا به این هدف نایل شود.

۲. فشارها و محدودیت‌های حاکم بر سرمایه‌گذاری‌های مؤسسات بیمه

فشارها و محدودیت‌های اعمال شده به سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های بیمه را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

– محدودیت‌های تحمیل شده در قانون یا مقررات دولتی (در زمینه سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه در ایران این محدودیت‌ها در قالب آیین‌نامه شماره ۱۲ اعمال می‌شود).

– نداشتن برنامه مشخص برای سرمایه‌گذاری که موجب می‌شود اغلب تصمیمات صنعت بیمه روزانه اتخاذ شود. در این شرایط همواره این خطر وجود دارد که نیازهای جاری و فشارهای سیاسی، رویه‌های سرمایه‌گذاری را تحمیل کند و ملاحظات مربوط رعایت نشود.

– فقدان یا محدودیت زمینه‌های سرمایه‌گذاری از جمله فقدان بازار سرمایه توسعه‌یافته

– محدودیت‌های پول رایج. تقریباً اکثر سرمایه‌گذاری‌ها به پول رایج هر کشور صورت می‌گیرد. تعداد کمی از کشورها نظیر کویت و بحرین سرمایه‌گذاری‌هایی به ارز انجام داده‌اند.

– فقدان یا کمبود تخصص‌های فنی برای سرمایه‌گذاری

– فشارهای ناشی از احتیاجات دوره‌ای به سرمایه‌گذاری

– فقدان رهنمود قانونی برای سرمایه‌گذاری

– کمبود متخصص برای توصیه، مشورت، اجرا و اداره سرمایه‌گذاری‌ها

– تعهد به توسعه اقتصادی

– احتیاجات اجتماعی شدید جامعه

– ترکیب هیأتی مشورتی در مواردی که اعضا ممکن است تضاد داشته باشند.

با توجه به این فشارها و محدودیت‌هاست که لازم است پیش‌بینی‌ها و رهنمودهای قانونی در مورد سرمایه‌گذاری صنعت بیمه صورت گیرد و چارچوب اصول و موازین قانونی برنامه‌ریزی صحیح برای استفاده مولد از منابع مالی این صنعت به عمل آید. این برنامه‌ریزی را می‌توان با مشارکت گروه‌های ذی نفع بیمه‌گر و بیمه‌گذار انجام داد به گونه‌ای که تصمیم‌گیری‌های آینده نتواند در آن نفوذ کند. افرادی که مسئولیت اداره سرمایه‌های صنعت بیمه را به عهده دارند در قبال بیمه‌شدگان و بیمه‌گذاران نقش امین را ایفا می‌کنند و در برابر نتایج حاصل از تصمیم‌گیری‌های خویش مسؤول هستند. باید به خاطر سپرد که پیشبرد یک سیستم مالی سالم و سیاست سرمایه‌گذاری منطقی مؤسسات بیمه نه تنها به نفع بیمه‌گذاران بلکه به نفع جامعه است.

۳. تدوین خط مشی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه

سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه همچون موردهای دیگر ممکن است به یکی از

اشکال زیر انجام شود:

– سرمایه‌گذاری کوتاه مدت یا بلند مدت

– سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار که خرید و فروش آن در بازار بورس امکان‌پذیر و

تبدیل آن به نقد آسان است، یا سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که نقد شدن آن‌ها به سادگی ممکن نباشد.

– سرمایه‌گذاری با ریسک زیاد یا کم

... مناسب‌ترین ترکیب در مجموعه سرمایه‌گذاری‌ها با در نظر داشتن میزان ریسک و بازده آن‌ها.

حال این ویژگی‌ها را یک به یک بررسی می‌کنیم.

۱. مدت سرمایه‌گذاری: شرکت‌های بیمه، وجوه حاصل از فروش خدمات خود را می‌توانند به اشکال مختلف نگاه‌داری یا سرمایه‌گذاری کنند (به صورت وجه نقد در حساب جاری، بدون بازده)، سپرده گذاشتن در بانک (کوتاه مدت یا بلند مدت)، سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی، سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه شرکت‌ها، اعطای وام به شرکت‌های خصوصی، مشارکت در شرکت‌های دولتی و خصوصی (خرید سهام)، خرید ملک یا احداث ساختمان‌های تجاری و اداری و اجاره آن‌ها، مشارکت در طرح‌های صنعتی و معدنی به منظور فروش سهام آن‌ها پس از بهره‌برداری و ... بارزترین وجه تمایز هریک از گونه‌های یاد شده سرمایه‌گذاری، سررسید و دوره بازگشت آن‌هاست؛ کوتاه مدت‌ترین آن‌ها، نگاه‌داری وجوه نقد در حساب جاری بانکی و بلند مدت‌ترین آن‌ها، سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و اوراق قرضه است. به علاوه آشکار است که مدت سرمایه‌گذاری بر نرخ بازده سرمایه‌گذاری و ریسک مربوط بر سرعت نقد شوندگی آن‌ها (ریسک نقدینگی) اثر دارد، زیرا هرچه این ریسک کمتر باشد، نرخ بازده سرمایه‌گذاری نیز کمتر خواهد بود. شرکت‌های بیمه برای وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های به سرعت نقد شونده اهمیت قایلند اما به دلیل پایین بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت می‌کوشند تا منابع مالی خود را بر پایه پیشنهادی دقیق در سرمایه‌گذاری‌های با سررسیدهای متفاوت به کار گیرند. آشکار است که تأکید شرکت‌ها به دستیابی سریع به وجوه نقد از الزام آنان به آمادگی برای جبران خسارت‌های وارده به بیمه‌گذاران سرچشمه می‌گیرد. به هر حال موفقیت شرکت‌های بیمه در استفاده بهینه از منابع مالی در دسترس، به دقت و دانش مدیران و کارگزاران آنان در پیش‌بینی پرداخت خسارت‌های مالی، توزیع زمانی و مقداری منابع مالی در دسترس و انتخاب درست زمینه‌های سرمایه‌گذاری وابسته است.

۲. نقش نقد شوندگی اوراق بهادار: یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر هرگونه سرمایه‌گذاری امکان فروش و درجه نقدشوندگی آن است. فروش سرمایه‌گذاری‌ها نیز به دو عامل وابسته است. اول، وجود بازاری مانند بورس اوراق بهادار؛ و دوم، فعال بودن

جریان داد و ستد در بازار. امکان فروش سرمایه‌گذاری‌ها در بازار، به سرمایه‌گذاران، این اطمینان را می‌دهد که در صورت نیاز به وجه نقد، از طریق فروش سرمایه‌گذاری‌ها در کمترین زمان و بدون تحمل هرگونه زیان به وجه مورد نیازشان دست خواهند یافت. از همین رو شرکت‌های بیمه ترجیح می‌دهند که وجوه خود را در اوراق بهاداری که خرید و فروش آن‌ها در بورس اوراق بهادار امکان‌پذیر است سرمایه‌گذاری کنند. در ایران به دلیل نوسان بودن بورس اوراق بهادار تهران و محدود بودن نوع اوراق بهادار به سهام عادی و نبودن بازار فعال و مطمئن در خارج از بورس اوراق بهادار، اجزای تشکیل دهنده مجموعه سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، بخت چندانی برای فروش سریع ندارد.

۳. ریسک سرمایه‌گذاری: برای سرمایه‌گذاری منابع مالی شرکت‌های بیمه، باید با جنبه‌های متفاوت ریسک و تأثیر آن در ارزش مجموعه سرمایه‌گذاری‌های هر شرکت آشنا بود که این ریسک‌ها عبارتند از:

الف) ریسک سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه: این نوع ریسک شامل دو نوع ریسک است: ریسک ناتوانی شرکت صادرکننده اوراق قرضه در پرداخت به موقع اصل و فرع و هم‌چنین ریسک نوسان نرخ سود.

ب) ریسک سرمایه‌گذاری در سهام عادی: ریسک سرمایه‌گذاری در سهام عادی بیشتر از ریسک سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه است. زیرا سرمایه‌گذار نمی‌تواند در خصوص میزان بازده سرمایه یا زمان دریافت سود سرمایه اطمینان داشته باشد. از این رو سرمایه‌گذاری در این نوع سهام باید با توجه به سه عامل انجام گیرد: ریسک تجاری، ریسک مالی، و ریسک کاهش قدرت خرید پول.

۴. ترکیب مجموعه سرمایه‌گذاری: به طور معمول خط مشی سرمایه‌گذاری‌ها با در نظر داشتن ترکیب مجموعه سرمایه‌گذاری‌های مؤسسه‌ها براساس مدت میزان ریسک، نقد شوندگی و بازده تعیین می‌شود. بر این اساس، در زیر نمونه‌ای از خط مشی سرمایه‌گذاری یک شرکت فرضی نشان داده می‌شود:

الف) نسبت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نقد و شبه نقد، دست کم x_1 و دست بالا x_2 درصد ارزش مجموعه سرمایه‌گذاری‌ها.

ب) نسبت سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی، دست کم x_2 و دست بالا x_3 درصد ارزش مجموعه سرمایه‌گذاری‌ها.

- پ) نسبت سرمایه‌گذاری در سهام عادی با ریسک کم، دست کم x_6 و دست بالا x_5
- ت) نسبت وام تسهیلات اعطایی به شرکت‌های خصوصی، دست بالا x_6
- ث) نسبت سرمایه‌گذاری در سهام عادی شرکت‌ها، کمتر از x_7
- ج) نسبت سرمایه‌گذاری در سهام عادی شرکت‌ها نباید بیش از x_8 درصد از سهام شرکت‌ها باشد.
- چ) سرمایه‌گذاری در سهام عادی فقط محدود به شرکت‌هایی باشد که سابقه ممتد تقسیم سود دارند.

توصیه‌هایی در باب سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه

تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها: امروزه تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها موجب کاهش ریسک می‌شود و سرمایه‌گذاران را از زیان ناشی از سرمایه‌گذاری مصون می‌دارد. لذا اهمیت این امر در سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه به منزله حاشیه ایمنی است. تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری محدود^۱ یا صندوق‌های امانی صنعت بیمه: این صندوق‌ها را یک بانک، شرکت بیمه یا اشخاص خصوصی می‌توانند راه‌اندازی کنند. سرمایه‌گذاری در چنین واحدهایی، به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد؛ زیرا این قبیل صندوق‌ها به خرید تعداد سهام متنوعی می‌پردازند و به این ترتیب ریسک کاهش سریع قیمت سهام یک شرکت تعدیل می‌شود و به حداقل می‌رسد. افزون بر این، سرمایه‌گذار خصوصی راغب می‌شود تا در این اوراق سرمایه‌گذاری کند، به جای آن که مثلاً در سپرده قرض الحسنه یا سپرده‌های کوتاه مدت و بلند مدت بانکی سرمایه‌گذاری نماید. هم‌چنین سرمایه‌گذار خصوصی در می‌یابد که خریداری سهام برای وی به دست یک گروه متخصص انجام پذیرفته است.

تناسب بهینه میان سیاست‌های تدافعی و تهاجمی: در صنعت بیمه قسمت عمده منابع مالی به خرید اوراق قرضه و سپرده‌های ثابت بانکی اختصاص یافته است. این سیاست که برای پوشش بدهی‌های شرکت‌های بیمه و هم‌چنین حفظ قدرت نقدینگی آنان اعمال می‌شود سیاست تدافعی این مؤسسات را تشکیل می‌دهد. حال آن که

شرکت‌های بیمه به منظور پوشش ریسک تورم به سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها روی می‌آورند. این سیاست که برای حفظ ارزش ذخایر در برابر نوسان‌های اقتصادی جامعه اعمال می‌شود سیاست تهاجمی نامیده می‌شود و مؤسسات بیمه ناگزیرند که با دقت هرچه بیشتر تناسب بهینه میان این دو سیاست را بیابند و با حفظ نقدینگی و تضمین مالی کافی با سرمایه‌گذاری در سهام سایر شرکت‌ها حداکثر سودآوری را عاید خود سازند.

ارتباط میان فراگرد خصوصی‌سازی و حضور فعال بیمه‌گران در بازارهای سرمایه: در ایران عرضه بیمه، فقط از طریق چند شرکت دولتی و وجود چند قانون بیمه‌های اجباری موجب شده است تا شرکت‌های بیمه بیشتر از آن‌که به صورت تجاری و اقتصادی فعالیت و کسب درآمد کنند به شکل سازمان اداری به حیات خود ادامه دهند. بدیهی است تا زمانی که مؤسسات بیمه این چنین در بستر انحصار دولتی خود جای گرفته‌اند، ضرورتی برای حضور فعال در بازار سرمایه و کسب درآمد تکمیلی در کنار درآمد حق بیمه در خود احساس نمی‌کنند و با پشتوانه محکم و مطمئن درآمدهای حاصل از عملیات مستقیم بیمه‌ای، فارغ از دغدغه حضور در بازار سرمایه به حیات خود ادامه می‌دهند. لذا نخستین گام مؤثر برای ایجاد تحرک در صنعت بیمه، شکستن انحصار موجود از طریق صدور مجوز فعالیت‌های شرکت‌های بیمه غیردولتی و شناور ساختن نرخ حق بیمه است. مسلم است که هر مؤسسه‌ای که بتواند قیمت کمتری برای فزاینده‌های خود ارائه دهد قادر خواهد بود که سهم رقبا را به خود اختصاص دهد و به اصطلاح تمام بازار را قبضه کند. موقعیت در این امر مستلزم آن است که این مؤسسات از درآمدهای دیگری به غیر از درآمد حق بیمه برخوردار باشند و همه این‌ها در گرو مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری و حضور فعال در بازار سرمایه است.

و اما موارد دیگر:

- به کارگیری تکنیک‌های آماری و علمی در سرمایه‌گذاری.
- ایجاد بهبود در مدیریت سرمایه‌گذاری از طریق ارائه خدمات مشاوره مالی.
- ضرورت اصلاح قوانین و مقررات موجود.
- نظارت، کنترل دقیق و آموزش. ■